

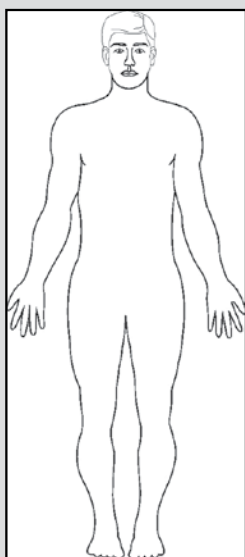
باورهای عامیانه ترکمنان

(بخش دوم)

باورهای عامیانه مرتبط به اعضای بدن انسان



ترجمه و تألیف: آنادردی کریمی*



مقدمه

بخش قابل توجهی از باورهای عامیانه‌ی مردم ایران و ترکمنان مرتبط با اعضای بدن است؛ برخی از این باورها دارای پیام‌هایی در ارتباط با بهداشتِ تن و روان هستند، برخی در ارتباط با شخصیت‌شناسی، برخی به منظور تربیت رفتار فردی و اجتماعی، برخی مرتبط با پیش‌بینی وقایع پیش‌رو و برخی نیز باورهای امیدبخش هستند. البته این نکته را نیز نباید فراموش نمود که برخی از باورهای رایج، محصول تجربه‌ی سال‌های طولانی زندگی بشر است؛ به گونه‌ای که بروز مصداق‌ها و نمونه‌های مختلف و متعدّد برخی از رویدادها در ارتباط با اعضای بدن، این باورها را به وجود آورده است.

باورهای مردم در مورد اعضا، بدن، درواقع تعبیر و تفسیرِ حالت اعضا، هستند که با مشاهده و بررسیِ عضو براساس شکل و اندازه، خارش، تغییر رنگ (سرخ شدن)، جَهِش (اختلاج)، ایجاد صدا، گازگرفتن، افتادن

یا قطع شدن (ایجاد نقصان در اعضا)، آرایش و تغییر حالت طبیعی عضو و امثال این‌ها به وجود آمده و پذیرفته شده‌اند. اما این باورها بسته به پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اعتقادیِ ملیت‌ها، اقوام و پیروان مذاهب مختلف، با یکدیگر متفاوت هستند.

در میان مردم قوم ترکمن نیز باورهای متعدد و گوناگونی در ارتباط با اعضای بدن انسان وجود دارد که برخی از این باورها ریشه در پیشینه‌ی اساطیری و باستانیِ آن‌ها داشته، برخی محصول پذیرش و اعتقاد به دین اسلام و بعضی نیز به واسطه‌ی تعامل با اقوام همجوار و همسایه، در ذهن و روان آن‌ها جاگیر شده است. البته برخی از این باورها بین تیره‌ها و طوایف مختلف قوم ترکمن دارای تفاوت‌هایی است.

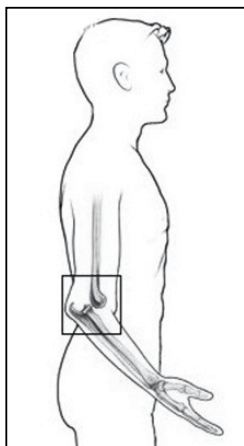
واژگان کلیدی: باورهای عامیانه- قوم ترکمن- اعضای بدن انسان

*نویسنده، مترجم
و پژوهشگر
فرهنگ ترکمن

باورهای مرتبط با اعضای بدن انسان

در این مقاله، باورهای قوم ترکمن در ارتباط با ۱۷ عضو از اعضای بدن - به ترتیب الفبای فارسی - ذکر خواهد شد. لازم به ذکر است برخی از باورهایی که در ادامه خواهد آمد، با دو یا چند عضو بدن انسان در ارتباط هستند، که در این موارد، باور مذکور تنها ذیل عنوان یکی از اعضا آمده و از تکرار آن خودداری شده است. همچنین با وجود این که «خال» عضو بدن

محسوب نشده و ممکن است روی هریک از اعضا بدن - غیر از - «مو» و «ناخن» - وجود داشته باشد، اما با توجه به این که مبحث مربوط به «خال» مفصل است، به صورت عنوان مستقل به آن پرداخته شده و از ذکر باورهای مربوط به خال بر روی هریک از اعضا، ذیل عنوان اعضا مختلف خودداری شده است.



آرنج انسان

آرنج: در فرهنگ عامه‌ی ترکمنان باورهای مختلفی در مورد دست - به طور عام - و اجزاء آن - به طور خاص - وجود دارد، چنان که در مورد آرنج نیز باورهای گوناگونی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- «اگر آرنجت بخارد، ممکن است که دچار غم و غصه شوی».^۱
- «اگر دختری آرنجش را به درد بیاورد [نشانه‌ی آن است] که جوانی او را یاد می‌کند».^۲



ابرو

ابرو: یکی از اعضای بدن که در باورهای عامیانه‌ی ترکمنان، احترام خاصی به آن گذاشته می‌شود، ابرو است. به همین مناسبت در بین مردم این قوم باورهای متعددی نیز در ارتباط با ابرو وجود دارد؛ عده‌ای از ترکمنان معتقدند که «ابرو شاهد گناه و ثواب فرد است و در روز قیامت از وی دفاع می‌کند».^۳ گذشته از این مورد

«ابروان سیاه و پُرپشت معیار دیگر زیبایی زنانه به‌شمار می‌آید. اهالی [روستای دودوخ/ دودوق از روستاهای شهرستان راز و جرگلان استان خراسان شمالی]، معتقدند که برداشتن ابرو و آراستن آن امری ناپسند است».^۴ پس نباید ابرو را کوتاه کرد و یا زیر ابرو را برداشت.^۵ و اگر چنین کاری کنی مرتکب گناه شده‌ای.^۶

علاوه بر باورهای مذکور، نمونه‌هایی دیگر از باورهای مرتبط با ابرو در ادامه آمده است:

- وقتی موهایت را می‌شویی، باید ابرویت را هم شانه کنی.^۷
- اگر ابرویت بخارد، میهمان می‌آید و دیدار صورت می‌گیرد.^۸
- اگر ابروی راست بخارد، نشانه‌ی آن است که میهمان در راه است^۹ و یا با دوست ملاقات خواهی کرد.^{۱۰} و اگر ابروی چپ بخارد، نشانه‌ی آن است که شخص بدطیتی را ملاقات خواهی کرد.^{۱۱} و یا با شخصی که دوستش نداری، روبرو می‌شوی.^{۱۲}

- اگر ابروی راست بجهد، خوشبخت خواهی شد^{۱۳} و یا خوشحال خواهی شد؛^{۱۴} ولی اگر ابروی چپ بجهد، غمگین خواهی شد.^{۱۵}
- شخصی که ابروهایش به هم پیوسته و متصل باشد، سختی زیادی می بیند.^{۱۶}
- می گویند اگر ابروی فرزندی به هم پیوسته باشد، ازدواج با خویشاوندانت صورت می گیرد و «غودا» [خویشاوند سببی] می شوی.^{۱۷}



انگشتان دست و انگشتان پای انسان

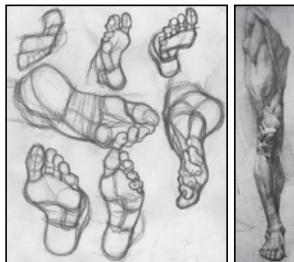
- انگشت: برخی از ترکمن ها بر این باورند که تمامی اعضای بدن باید کامل و باهم دفن شود، اگر عضوی از بدن شخصی کنده شده باشد، باید آن را نیز با او دفن نمود.^{۱۸} چنان که مشاهده شده است که بعضی از ترکمن ها اگر انگشت دست یا پای شخصی در حین کار یا تصادف قطع شود، آن را با نمک خشک می کنند و نگاه می دارند و زمانی که آن شخص از دنیا برود، آن انگشت دست یا پای خشک شده را در درون کفن او می گذارند.

- چنین حدس می زنند که اگر انگشت دختر کم سن و سال دراز باشد، او سوزن دوز و قالیباف خواهد شد و اگر انگشت پسر کم سن و سال دراز باشد، موسیقی دان خواهد شد.^{۱۹}
- هر چند بار که انگشت را بشکنی و به صدا در بیاوری، شیطان به همان اندازه از عمرت کم خواهد کرد.^{۲۰}



بینی انسان

- بینی: باورهای عامیانه ی ترکمنان در ارتباط با بینی، بیشتر در مورد نشانه های خارش قسمت های مختلف بینی است:
- اگر بینی شخصی خارش کند، در آینده ی نزدیک گوشت خواهد خورد.^{۲۱}
- اگر بینی ات بخارد «به عروسی می روی».^{۲۲}
- اگر داخل بینی به خارش درآید، نشان از سرحالی و خوشی است.^{۲۳} و در چنین حالتی باید منتظر خبر عروسی باشی.^{۲۴}
- برخی معتقدند که در صورت خارش داخل بینی «خبر عروسی می آید».^{۲۵}



پای انسان کف و پاشنه پای انسان

- اگر کناره یا بیرون بینی بخارد، از راه دور خبری می رسد.^{۲۶}
- و این «خبر خوشی است»^{۲۷} و یا میهمانی عزیز در راه است.^{۲۸}
- اگر نوک بینی بخارد، در مهمانی حضور خواهی داشت.^{۲۹}
- در مجموع در نزد ترکمنان خارش بینی مثبت تلقی می شود و این عمل نشانه ی خوب به حساب می آید.
- پا: اگر کف پایت بخارد به گردش خواهی رفت.^{۳۰} و ... به افرادی سر می زنی.^{۳۱}

- اگر پاشنه‌ی پایت بخارد، به راه طولانی خواهی رفت.^{۳۲}
 - کسی که ماهیچه‌ی پایش پُر مو باشد، خوشبخت می‌شود.^{۳۳}
 - به مسجد باید با پای راست وارد و با پای چپ خارج شد. این کار نشانه‌ی حرمت و احترام به خداوند تبارک و تعالی است.^{۳۴}
 - اگر با پای چپ وارد خانه بشوی، بدبختی می‌آورد.^{۳۵}
 - اگر نعروس با پای چپ وارد شود بدشانس می‌شود.^{۳۶}
 - [به طور کلی] به جاهای مقدس باید با پای راست وارد و با پای چپ خارج شد.^{۳۷}
 - اگر انگشت شست پا از انگشت اشاره کوتاهتر باشد، شوهر خواسته‌ی همسرش را به‌جای می‌آورد. اگر انگشت شست، درازتر از انگشت اشاره باشد، شوهر خواسته‌ی همسرش را به‌جای نمی‌آورد. اگر هر دو یک اندازه باشد، خانواده همیشه متحد و همدل می‌شوند و هر دو خواسته‌های یکدیگر را به‌جای می‌آورند.^{۳۸}
 - چشم: «گاهی اوقات پلک‌ها چون تیر کشیدن حرکتی از خود نشان می‌دهند که به ترکمنی به این حرکت «گوز چکمه» می‌گویند. در این مورد بین قوم ترکمن مثلی است که می‌گوید: «ساغ چکسه غازانچ، سؤل چکسه غینانچ»؛ یعنی اگر در پلک چشم راست این حرکت صورت بگیرد، نشانه و خبری از یک درآمد و اگر در پلک چشم چپ صورت بگیرد، نشانه و خبری از یک ناراحتی است.^{۳۹}
 - ترکمنان ساکن افغانستان هم معتقدند که «اگر چشم چپ ببرد علامت خبر ناخوش و اگر چشم راست ببرد نشانه شادی است».^{۴۰}
 - اگر سال تولد کسی مرتبط با حیوان حلال‌گوشت باشد و چشم راستش ببرد، خوشحال می‌شود و اگر سال تولد کسی مرتبط با حیوان حرام‌گوشت باشد و چشم چپش ببرد، ناراحت می‌شود.^{۴۱}
 - اگر یک چشم بزرزد، می‌گویند میهمان می‌آید.^{۴۲}
 - کسی که [زیاد] پلک بزند، درمانده و غمگین می‌شود.^{۴۳}
 - اگر جوان مجرد زیاد بخوابد، با دختری که چشمش لوچ است ازدواج خواهد کرد.^{۴۴}
 - اگر چشم کودک خردسال برق بزند و درخشندگی داشته باشد، او در آینده فردی کارآمد و مکار خواهد شد.^{۴۵}
- 

خال: لکه یا لکه‌های سیاه (تیره) بر روی پوست بدن، یا به عبارت دیگر؛ هر نوع تغییر رنگ موضعی مشخص و مادرزادی در پوست بدن را «خال» می‌گویند. داشتن خال در اندام اشخاص و تفسیر و تعبیر هر مورد، هم در باورهای عامیانه‌ی مردم ایران و هم ترکمنان مورد توجه قرار گرفته است. مردم بر اساس خال هر یک از اعضای بدن، پیش‌گویی و قضاوت می‌کنند.

هانری ماسه در این ارتباط شعر زیر را در کتاب خود آورده است:

خال

- هرکه دارد خالِ دست / آن نشانِ مشهد است
 هرکه دارد خالِ پا / آن نشانِ کربلا
 هرکه دارد خالِ سینه / آن نشانِ وصله‌پینه
 هرکه دارد خالِ رو / آن نشانِ آبرو^{۴۶}
 وی افزوده است که گاهی این بیت را نیز به شعر بالا می‌افزایند:
 هرکه دارد خالِ پستان / آن نشانِ قبرستان^{۴۷}
 ترکمنان نیز با توجه به وجود خال در موضع خاصی از بدن، پیشگویی و قضاوت و ارزیابی می‌کنند:
 - آن‌که ابرویش خال دارد، حسود است.^{۴۸}
 - آن‌که روی ابروی راستش خال دارد، مغرور است.^{۴۹}
 - آن‌که روی ابروی چپش خال دارد، با استعداد است.^{۵۰}
 - آن‌که انگشتش خال دارد، خوشبخت است.^{۵۱}
 - آن‌که آرنجش خال دارد، مغرور است.^{۵۲}
 - آن‌که دهانش خال داشته باشد، به رزق و روزی نزدیک‌تر است^{۵۳} و یا اموالش زیاد می‌شود.^{۵۴}
 - آن‌که بینی‌اش خال دارد، شجاع است^{۵۵} و برخی معتقدند که آب بینی‌اش زیاد می‌شود.^{۵۶}
 - آن‌که پشتش خال دارد، دعوافر است.^{۵۷}
 - آن‌که زیر بغلش خال دارد، مصمم و ثابت‌قدم است.^{۵۸}
 - آن‌که پایش خال دارد، اهل گشت‌وگذار است.^{۵۹}
 - آن‌که پلکش خال دارد، وفادار است.^{۶۰}
 - آن‌که پلک پایین چشم چپش خال دارد، خوشبخت است.^{۶۱}
 - آن‌که پیشانی‌اش خال دارد، ساده‌لوح و زودباور است.^{۶۲}
 - آن‌که چانه‌اش خال دارد، تنبل است.^{۶۳}
 - آن‌که چشمش خال دارد، با ارزش است.^{۶۴}
 - آن‌که کناره‌ی چشمش خال دارد، خشمگین است.^{۶۵}
 - آن‌که خال از چشمش دریاید، احساساتی می‌شود و زود گریه می‌کند.^{۶۶}
 - آن‌که دستش خال دارد، کاری و وارد^{۶۷} و اوستا [= فَعَال و مَاهِر] است.^{۶۸}
 - آن‌که ساعدش خال دارد، دروغگو^{۶۹} و فریبکار است.^{۷۰}
 - آن‌که سینه‌اش خال دارد، در رنج و مشقت است.^{۷۱}
 - آن‌که در سمت راست سینه‌اش خال دارد، سبک‌سر است.^{۷۲}
 - آن‌که شانه‌اش خال دارد، خجالتی و منزوی است.^{۷۳}
 - آن‌که شکمش خال دارد، دچار رنج و مشقت خواهد شد^{۷۴} و به تعبیری دیگر؛ اهل گشت‌وگذار است.^{۷۵}
 - آن‌که شقیقه‌اش خال دارد، محبوب است.

- آن که پشت شانهاش خال دارد، محتاط و خاطر جمع است.^{۷۶}

- آن که کمرش خال دارد، فضول است.^{۷۷}

- آن که لب بالایش خال دارد جذاب و با ناز و کرشمه است.^{۷۸}

- اگر در قسمتی از بدن که شخص خودش نمی تواند ببیند، خال باشد، آن فرد خوشبخت می شود.^{۷۹}

شخصیت شناسی و پیش بینی آینده نوزاد براساس خال

عده ای از ترکمنان، هنگام تولد نوزاد، با بررسی خال در اندام او ...تلاش کرده اند با توجه به آن خال بفهمند که نوزاد در آینده چگونه فردی خواهد شد؟^{۸۰} بخشی از موارد در بالا ذکر شده، لذا از تکرار آن ها خودداری کرده و بقیه ی موارد در ادامه ذکر خواهد شد:

- «آن که گردنش خال دارد بدهکار» است.

- «آن که صورتش خال دارد زیبارو» است.

- «آن که گوشش خال دارد، از دیگران حرف های نامربوط و نامناسب می شنود».

- «آن که گونه اش خال دارد، بسیار مشتاق و باشوق و شور» است.

این گونه باورها در میان مردم تداوم داشته و برخی از آن ها پس از سپری کردن اعصار طولانی به ضرب المثل تبدیل شده اند؛ برای نمونه: «آن که دستش خال دارد، کاری و وارد» از مثل های رایج ترکمنی است.^{۸۱}



دست انسان

دست: دست اجزای مختلفی دارد که عبارتند از شانه، بازو، آرنج، ساعد، مچ، پنجه، کف دست و انگشتان، که در بالا به باورهای مربوط به آرنج و انگشت پرداخته شد، آنچه که در این جا در ارتباط با دست ذکر خواهد شد، غالباً مربوط به دست، به مفهوم عام با تمام اجزای آن، و هم چنین کف دست است:

- اگر کف دست کسی بخارد، خبر خوبی می شنود و خوشحال خواهد شد.^{۸۲} و پول به دست می آورد.^{۸۳} به عبارت دیگر؛ این مورد «نشانه ای از پولدار شدن است».^{۸۴}

- اگر کف دست راست بخارد، درآمد حاصل می شود^{۸۵} و یا پول به دست می آید،^{۸۶} اما اگر کف دست چپ بخارد، پول خرج خواهی کرد.^{۸۷} به عبارت دیگر؛ خارش کف دست چپ، علامت خرج کردن است.^{۸۸}

- اگر پشت دست شخصی بخارد، چیزی پیدا خواهد کرد و یا طلبش وصول خواهد شد.^{۸۹}
- هر کسی با دست و لباس آغشته به خمیر، در معرض تابش نور خورشید قرار بگیرد، مرتکب گناه شده است.^{۹۰}

- پس از خمیر کردن، اگر دست آغشته به خمیر را در نهر روستا شستشو دهند، باران خواهد بارید.^{۹۱}

- اگر بعد از شستن دست، آن را تکان بدهی، شیطان به دست ادرار می کند.^{۹۲}

- فقط شیطان با دست چپ غذا می خورد.^{۹۳}

دندان: در باورهای عامیانه ی مردم ایران «فاصله ی بین دندان ها» برای صاحب دندان



دندان انسان

خوش‌یمن بوده و نشانه‌ی گشادگی روزی و خوشبختی فرد، آینده‌ی درخشان، قدرتمند شدن، ازدواج با فرد بیگانه و... است.^{۹۴} هم‌چنین به «دندان افتاده» هم توجه خاصی شده است.^{۹۵} بسیاری کسان، دندان کشیده شده را در پارچه‌ی کتان پیچیده، در سوراخ دیوار می‌گذارند تا مبادا جادوان آن‌ها را برداشته، علیه صاحب آن به‌کار برند!^{۹۶} در فرهنگ قوم ترکمن نیز باورهای گوناگونی در ارتباط با «فاصله‌ی بین دندان‌ها» و نیز «دندان افتاده» وجود دارد که تعدادی از آن‌ها در ادامه خواهد آمد:

- چنان‌چه فاصله‌ی بین دندان‌های پیشین کودک بیش از معمول باشد، می‌گویند رزق و روزی فراوانی خواهد داشت.^{۹۷}

- اگر میان دندان‌های پیشین پسر یا دختری جوان فاصله باشد، مرد جوان با فردی از منطقه‌ی دوردست و بیگانه ازدواج خواهد کرد و دختر، عروس چنین منطقه‌ای خواهد شد.^{۹۸}

- اگر دندان افتاده‌ی کودک را در رد پای اسب دفن کنی، برای او دندانی چون دندان اسب، محکم و سفید درمی‌آید^{۹۹} و اگر در آغل گوسفندان و بره‌ها دفن کنی، دندانی زیبا، مثل دندان بره درمی‌آید.^{۱۰۰}



گاز گرفتن زبان



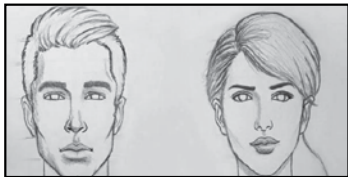
زبان انسان

- اگر دندانت افتاد، باید آن‌را در جایی دفن کنی.^{۱۰۱}

زبان: باورهای مرتبط با زبان، غالباً در مورد خارش و گازگرفتن زبان است که در ادامه نمونه‌هایی از آن ذکر خواهد شد:

- اگر زبانت بخارد، با کسی به درشتی سخن خواهی گفت.^{۱۰۲}

- اگر ندانسته زبان خود را گاز بگیری، گویند کسی از شما ناراحت شده و اکنون دارد درباره‌ی آن ناراحتی‌ها با کسی صحبت می‌کند.^{۱۰۳} هم‌چنین اگر زبانت را گاز بگیری، کسی دارد تو را سرزنش و از تو غیبت می‌کند.^{۱۰۴}



صورت:

- اگر صورتت سرخ شود، گریه خواهی کرد.^{۱۰۵}

کله:

- اگر کله‌ی کودک خردسال بزرگ باشد، حدس صورت زن و مرد می‌زنند که فردی عاقل می‌شود.^{۱۰۶}

گردن:

- اگر گردنت بخارد، می‌گویند عروسی می‌شود^{۱۰۷} و آن را به فال نیک می‌گیرند^{۱۰۸} و در باوری دیگر؛ اگر گردنت بخارد، گریه خواهی کرد.^{۱۰۹}

- اگر پشت گردنت بخارد، دچار غم و غصه می‌شوی.^{۱۱۰}



گوش انسان

گوش:

- اگر گوش‌ات صدا کند، کسی دارد تو را یاد می‌کند^{۱۱۱} و یا غیبت تو را می‌کنند.^{۱۱۲}

- در ارتباط با گوش هم مسئله‌ی راست و چپ که قبلاً مطرح کردیم، پیش می‌آید؛ چون اگر گوش راست کسی صدا کند، می‌گویند از نیکنامی و خوبی‌هایش صحبت می‌کنند^{۱۱۳} و خبر خوشی می‌رسد^{۱۱۴} و اگر گوش چپ کسی صدا کند، می‌گویند غیبت او را می‌کنند^{۱۱۵} و

یا ممکن است خبر ناخوشایندی در راه باشد.^{۱۱۶} و یا خبر ناخوشایندی می‌رسد.^{۱۱۷}

شخصی که گوشش صدا می‌کند باید از افرادی که کنارش نشسته‌اند بپرسد: کدام گوشم صدا کرد؟ او به کسی که بداند کدام گوشش صدا کرده، می‌گوید: «تو دوست من بوده‌ای».^{۱۱۸}

- اگر گوش‌ات سرخ شود [علامت آن است که] در جایی دارند غیبت تو را می‌کنند.^{۱۱۹}

- در ارتباط با سرخ شدن گوش هم مسئله‌ی راست و چپ مطرح می‌شود؛ چون اگر گوش راست سرخ شود، درباره‌ی تو حقیقت را می‌گویند و اگر گوش چپ سرخ شود، درباره‌ی تو حرف‌های ناحق می‌زنند و غیبت تو را می‌کنند.^{۱۲۰}

- اگر گوش‌ات بخارد، نشانه‌ی آن است که باران خواهد بارید^{۱۲۱} و یا به تعبیری دیگر، دارند غیبت تو را می‌کنند.^{۱۲۲}

گونه:

- اگر گونه‌ات بخارد، گریه خواهی کرد.^{۱۲۳}

لب:

- اگر لب بخارد، علامت بوسیدن است.^{۱۲۴}

- اگر لب بجهد، می‌گویند یکی از اقوام کسی که لبش جهیده، می‌میرد.^{۱۲۵}



لب انسان



مو

مو: در باورهای عامیانه‌ی ترکمنان در ارتباط با مو مطالب مهمی چون اهمیت مو، نکوهش کوتاه کردن موهای زنان، گناه دانستن برخی از امور، تراشیدن موی کودک توسط دایی و برخی از توصیه‌ها، نهی‌ها، هشدارها و... مطرح می‌شود.

«در ضرب‌المثل‌های [ترکمنی] نیز ویژگی‌های زیبایی‌های موی زنان چنین وصف شده است: «آطینگ زینتی قُوروغی، عیال زینتی ساجی»؛ یعنی زیبایی اسب به دُمش و زیبایی زن به موی اوست.^{۱۲۶} هم‌چنین: «داغ گورکی داش، باش

گورکی ساج»؛ یعنی زیبایی کوه به سنگ و زیبایی سر به مو است.^{۱۲۷}

باورهای مرتبط با موی زنان غالباً حول محور سه موضوع؛ یعنی «بلندی و زیبایی مو»، «پوشش مو» و هم‌چنین «شانه‌زدن مو» جریان دارد:

بلندی و زیبایی موی زنان: زنان ترکمن -به ویژه زنانی که هنوز پایبند به آداب و رسوم سنتی هستند- به بعضی از امور در ارتباط با مو، اهمیت فراوانی می‌دهند، یکی از این موارد توجه به موی بلند و کوتاه نکردن مو است؛ چنان‌که زنان روستای دویدوخ/ دویدوق از روستاهای شهرستان راز و جَرگلانِ استان خراسان شمالی، باور دارند:

- کوتاه کردن مو، گناه است.

- موی بلند، یکی از افتخارات عروس به‌شمار می‌آید.

- موی بلند، در آتش جهنم نمی‌سوزد و صاحبش را از عذاب نجات می‌دهد.

- زیبایی زن به بلندی موی اوست.

- موی بلند، هنگام مرگ، بالشت زیر سر زن است.^{۱۲۸}

- زنان سنتی نخورلی نیز «کوتاه کردن و رنگ کردن مو را عیب و گناه می‌دانند».^{۱۲۹}



پوشاندن موی سر

پوشش موی سر زنان: در فرهنگ عامه‌ی ترکمنان، علاوه بر تأکید به بلند نگاه‌داشتن و رنگ نکردن موی سر زنان، تأکید زیادی بر پوشش موی سر زن -حتی در داخل خانه و نزد محارم- شده است. البته، شکی نیست که مذهب، نقش مهمی در پنهان کردن موی زنان دارد؛ چنان‌که افراد مذهبی بر استفاده از سرپوش در همه ساعات روز، برای افزایش رحمت الهی، تأکید می‌کنند.^{۱۳۰} بر همین اساس عده‌ای از ترکمن‌ها باور و اعتقاد دارند که:

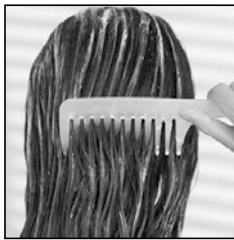
- نباید موهایت را نشان بدهی و سرلخت باشی و حتی نباید یک تار مویت دیده شود. اگر چنین کنی در قیامت باید جواب بدهی.

- اگر سرلخت در خانه بمانی، فرشته‌ها نگاه می‌کنند و گناه تو را می‌نویسند. به همین خاطر فرشته‌ها می‌گویند ما را شرم‌منده کردی. پس آن فرشته‌ها از خانه فرار می‌کنند و دیگر بر نمی‌گردند.^{۱۳۱}

- عده‌ای از زنان روستای دویدوخ هم معتقدند که «اگر در خانه‌ای زنی موهای خود را نبوشاند، فرشته در آن [=به آن] خانه نمی‌آید».^{۱۳۲}



بافتن موی سر



شانه زدن موی سر

شانه کردن موی سر زنان: شانه کردن گیسوان نیز، نزد قوم ترکمن شرایطی دارد که از باورهای عامیانه‌ی مردم ترکمن سرچشمه می‌گیرد:

- گیسوان را شب‌هنگام نباید شانه کرد،^{۱۳۳} زیرا شانه کردن مو در شب‌هنگام گناه محسوب می‌شود.^{۱۳۴} به همین دلیل است که زنان ترکمن «غالباً صبح زود، مقدم بر هرکاری به شانه کردن موی خود می‌پرداختند؛ چنان‌که در ضرب‌المثلی ترکمنی آمده: «دختر با ادب صبح زود بیدار شده، موی سر خود را شانه می‌زند، اما دختر بی‌ادب، صبح زود بیدار شده، نان می‌طلبد».^{۱۳۵}

- در باوری شبیه به این نیز، شانه کردن مو در وقت سحر و قبل از طلوع آفتاب توصیه شده

- ۱- الباسوا، ۹۹:۲۰۰۵
- ۲- همان، ۹۷: ۱۹۹۳: ۴۲
- ۳- عزت‌اللهی نژاد، ۱۹۰:۱۳۹۹
- ۴- عزت‌اللهی نژاد، ۱۹۰:۱۳۹۹
- ۵- اسفندیاری، ۱۳۹۸
- ۶- همان
- ۷- اسفندیاری، ۱۳۹۸
- ۸- اوزرایف، ۱۹۹۳: ۹۶:۲۰۰۵
- ۹- فجوری، ۱۳۹۹
- ۱۰- الباسوا، ۹۷:۲۰۰۵
- ۱۱- فجوری، ۱۳۹۹
- ۱۲- الباسوا، ۹۹:۲۰۰۵
- ۱۳- تاتیلی اوغلو، ۱۶۰:۲۰۰۰
- ۱۴- اوزرایف، ۴۱ ۱۹۹۳
- ۱۵- تاتیلی اوغلو، ۱۶۰:۲۰۰۰
- ۱۶- اوزرایف، ۱۹۹۳: ۹۶:۲۰۰۵
- ۱۷- الباسوا، ۳۷:۲۰۰۵
- ۱۸- ملتی، ۱۳۹۹
- ۱۹- رک، ۸۷:۲۰۰۵
- ۲۰- همان، ۹۵
- ۲۱- فجوری، ۱۳۹۹
- ۲۲- گل‌دییف، ۲۹:۲۰۰۳
- ۲۳- فجوری، ۱۳۹۹
- ۲۴- الباسوا، ۹۶:۲۰۰۵
- ۲۵- اوزرایف، ۱۹۹۳: ۱۵۹:۲۰۰۰
- ۲۶- اوزرایف، ۱۹۹۳: ۱۵۹:۲۰۰۰
- ۲۷- فجوری، ۱۳۹۹
- ۲۸- همان
- ۲۹- الباسوا، ۹۶:۲۰۰۵
- ۳۰- گل‌دییف، ۲۹۰:۲۰۰۳
- ۳۱- الباسوا، ۱۷۰:۲۰۰۵
- ۳۲- اوزرایف، ۱۹۹۳: ۹۸:۲۰۰۵
- ۳۳- الباسوا، ۱۷۲:۲۰۰۵

است؛ چون با این اقدام، خوشبخت، زیبا و سالم خواهی شد و در چنین حالتی موهایت را فرشته‌ها شانه می‌کنند.^{۱۳۶}

- شانه‌کردن مو باید از سمت راست شروع شود.

- قبل از شانه‌کردن، باید ابروها شانه شود.^{۱۳۷}

- اگر در تاریکی به آینه نگاه کرده و موهایت را شانه بزنی، مرتکب گناه می‌شوی.^{۱۳۸} به همین دلیل برخی این عمل را «خوب نمی‌دانند».^{۱۳۹}

- در خانه‌ی دشمن، شانه‌زدن و تراشیدن مو خوب نیست، بلکه می‌گویند در خانه‌ی دوست، مویت را شانه کن و بتراش.^{۱۴۰}



- توصیه شده است که «پس از شانه کردن مو، باید صورت را بشویی و گرنه در آن دنیا در گذشتگان می‌گویند: اشخاصی می‌آیند که موهایشان را شانه کرده و صورتشان را نشسته‌اند، گوشت خورده‌اند و دستشان را نشسته‌اند و [این‌گونه] روبرو می‌شوند».^{۱۴۱}

تراشیدن موی سر نوزاد

تراشیدن موی سر و موی بریده‌شده:

- برخی از ترکمن‌ها معتقدند اگر موی سرِ کودکان را نتراشند، آن‌ها رشد نخواهند کرد.^{۱۴۲}

- در قدیم، موی سرِ کودکان را -چه پسر و چه دختر- در یک‌سالگی می‌تراشیده‌اند. این کار معمولاً توسط یکی از دایی‌های کودک، که ترجیحاً -به‌خصوص در مورد دخترچه- می‌بایست پُرمو باشد، صورت می‌گرفت.^{۱۴۳}

- دختری که دایی موهایش را کوتاه نکند، در آینده دچار سَر‌درد می‌شود.^{۱۴۴} و به بیان دیگر: «اگر اولین موی کودک را دایی نتراشد، سَر‌درد می‌گیرد».^{۱۴۵} در روستای ترکمن‌نشین دویدوخ/دویدوق «تراشیدن موی دختران، امروز نیز مانند گذشته، توسط دایی کودک انجام می‌شود».^{۱۴۶}

- گاهی «موی تراشیده‌شده‌ی [کودک] را در میان حاضران و کسانی که آرزومند داشتنِ پسر بودند، تقسیم می‌کردند.

- در برخی از طوایف، افراد سرشناس و متمول، قسمتی از موی نوزادان خانواده را بر روی پرده‌ای ابریشمی دوخته و نام هر یک را ذیل آن ثبت می‌کردند. این رسم بیشتر در میان قبایل تکه رواج داشت.^{۱۴۷}

- «ترکمن‌ها، موی بُریده‌شده را دور نمی‌اندازند و بر این عقیده‌اند که باید آن را خاک کرد».^{۱۴۸} و در همین ارتباط، اهالی دویدوخ هم معتقدند که «موی کوتاه‌شده و شانه‌شده نباید در معرض دید قرار گیرد و باید پنهان شود، زیرا نامحرم نباید موی زن را می‌دید و گناه بود».^{۱۴۹}

جالب است که این نوع باور در میان مردم ایران نیز رواج دارد. «موهای ریخته شده در اثر شانه‌کردن، باید مانند تراشه‌های ناخن به خاک سپرده شود... مو را نباید روی زمین ریخت چون یا کسی روی آن پا می‌نهد، یا کلاغ آن را می‌برد. در هر دو حال صاحب مو سَر‌درد می‌گیرد».^{۱۵۰}

نشانه‌شناسی و پیش‌بینی آینده‌ی شخص بر اساس مو:

۳۴ - الیاسوا، ۹۲:۲۰۰۵

۳۵ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴

۳۶ - تاتیلی‌اوغلو، ۱۶۰:۲۰۰۰

۳۷ - غوریانوف، ۲۰۱۰: ۳۶۵

۳۸ - الیاسوا، ۵۷:۲۰۰۵

۳۹ - آقی‌پور، ۱۲۱:۱۳۹۶

۴۰ - حقیظ‌الله، ۴۶:۱۳۹۵

۴۱ - الیاسوا، ۱۷۰:۲۰۰۵

۴۲ - آقاراکلی، ۱۳۹۹

۴۳ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۱: الیاسوا، ۹۷:۲۰۰۵

۴۴ - تاتیلی‌اوغلو، ۱۵۹:۲۰۰۰

۴۵ - الیاسوا، ۸۷:۲۰۰۵

۴۶ - این شمرواره در فرهنگ عامه مردم استرآباد (گرگان) به این صورت است: «خال یا: اندر نشان کریلا/ خال دست: اندر نشان مشهد است/ خال سینه: اندر نشان مدینه/ خال رو: اندر نشان آبرو/ خال گردن: اندر نشان مردن (یا «مکه رفتن»)(شهیدی، ۱۴۰۰)

۴۷ - ماسه، ۲۸:۱۳۵۷

۴۸ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۴۹ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۵۰ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲

۵۱ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۵۲ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۳

۵۳ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵: امانی‌نژاد، ۱۳۹۹

۵۴ - آقاراکلی، ۱۳۹۹

۵۵ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۵۶ - آقاراکلی، ۱۳۹۹

۵۷ - امانی‌نژاد، ۱۳۹۹

۵۸ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۵۹ - امانی‌نژاد، ۱۳۹۹

۶۰ - اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۲: الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵

۶۱ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵: اُزْرائِیف، ۱۹۹۳۴۳

- کودکی که موهایش تاب‌دار باشد، چون آتش تُند و باشهامت می‌شود.^{۱۵۱} و اگر دومین موی تاب‌دار کودک در جلوی سرش باشد، از زوجش (زنش یا شوهرش) جدا می‌شود و اگر دومین موی تاب‌دارش در پس‌کله‌ی او باشد، زوجش می‌میرد. اگر دو موی تاب‌دارش بالای سرش باشد، هم‌زمان صاحب دو همسر خواهد شد.^{۱۵۲} هم‌چنین می‌گویند اگر در سر پسر یا دختر، دو سه موی تاب‌دار باشد، به همان اندازه ازدواج می‌کند.^{۱۵۳}

- اگر دو رشته‌ی عقبی از چهار رشته‌ی بافته‌شده‌ی گیسوان، دراز باشد، خانواده‌ی پدرشوهرت ثروتمند است، و اگر کوتاه باشد، فقیر می‌شود؛ اما اگر مساوی باشد، ثروت هر دو تا یکسان خواهد بود.^{۱۵۴}

- اگر موی زن حامله خشک و ضخیم شود، نوزاد به دنیا آمده، فردی زودرنج و خشمگین خواهد شد.^{۱۵۵}

- اگر قسمتی از مو بافته نشود، چنان‌چه دختر به سن ازدواج رسیده داشته باشی، به خواستگاری او می‌آیند و یا رفیقِ دخترت شوهر می‌کند.^{۱۵۶}

- اگر موقع شانه‌کردن مو، از موها ریزه‌های آتش بجهد، آن شخص کیفش کوک^{۱۵۷} و خوش‌شانس می‌شود.^{۱۵۸}

- موقع شانه‌کردن مو، اگر شانه‌ات از دست بیفتد، به خانه‌ات میهمان می‌آید.^{۱۵۹}

در ارتباط با مو، درباورهای عامیانه‌ی ترکمن، هم توصیه و هم هشدار، مشاهده می‌شود. به برخی موارد در بحث‌های قبلی مانند کوتاه و رنگ‌کردن مو، پوشاندن مو، شستن صورت پس از شانه‌کردن مو اشاره شد. چند نمونه‌ی دیگر نیز ارائه خواهد شد:

- شستن موها در روز جمعه ثواب دارد.^{۱۶۰}

- زن ۴۵ ساله‌ی ساکن روستای دودوخ/ دودوق بر این باور است که «گیسوه‌های عروس باید دوتا باشد، زیرا یکی شگون نداشته و نشان از تنهایی دارد».^{۱۶۱}

- در گذشته بر این باور بودند که اگر یک طرف رشته‌موهایی را که با نخ بسته شده، باز کرده و طرف رشته‌ی دوم موها را شانه کنی، شوهرت زن دوم می‌گیرد (هوو می‌آورد).^{۱۶۲}

- اگر به هنگام طلوع ماه نو، کودک شیرخوار، موهای به‌هم بافته‌شده را دندان بزند، مو سریع‌تر رُشد می‌کند.^{۱۶۳}

- زنانی که [برای محکم کردن] رشته‌ی موهای خود از بندگیسو استفاده می‌کنند، اگر شب، موقع خواب، رشته‌ی موهای خود را باز نکنند و بخوابند، در زندگی‌شان گره می‌افتد.^{۱۶۴}

- دفن کردن موی ریخته‌شده در زیر اسپند، ثواب است. انداختن، سوزاندن و در آب انداختن آن گناه است.

- اگر مو در اطراف پخش شود، به مرض صرع گرفتار خواهی شد.

- اگر مو سوزانده شود و صاحب مو فرزندِ مرحوم داشته باشد، او می‌گوید که «بوی مادرم می‌آید».^{۱۶۵}

- ۶۲ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۶۳ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۶۴ - اُزرایف، ۱۹۹۳
- ۶۵ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۶۶ - آقارکاکلی، ۱۳۹۹
- ۶۷ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵؛ امانی‌نژاد، ۱۳۹۹
- ۶۸ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۴۳
- ۶۹ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۰ - اُزرایف، ۱۹۹۳
- ۷۱ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۳۹۹؛ آقارکاکلی، ۱۳۹۹
- ۷۲ - اُزرایف، ۱۹۹۳
- ۷۳ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۴ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۵ - اُزرایف، ۱۹۹۳
- ۷۶ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۷ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۸ - اُزرایف، ۱۹۹۳: ۱۰۰:۲۰۰۵؛ الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۷۹ - الیاسوا، ۱۰۰:۲۰۰۵
- ۸۰ - الیاسوا، ۸۳:۲۰۰۵
- ۸۱ - همان
- ۸۲ - یگدلی، ۵۱۶:۱۳۶۹
- ۸۳ - راسخ بلدریم، ۱۴۲: ۴
- ۸۴ - ناظری قوجق، ۱۳۹۸
- ۸۵ - اُزرایف، ۱۹۹۳
- ۸۶ - الیاسوا، ۱۷۰:۲۰۰۵
- ۸۷ - همان
- ۸۸ - همان، ۹۹
- ۸۹ - فجوری، ۱۳۹۹
- ۹۰ - مرادی، ۹۰:۱۳۹۶
- ۹۱ - همان
- ۹۲ - الیاسوا، ۹۴:۲۰۰۵
- ۹۳ - مختومی، ۱۳۹۸؛ نعمان، ۱۳۹۸

۹۴ - ر.ک. ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۹۱

۹۵ - ر.ک. همان، ۱۳۹۲: ۵۹۳

۹۶ - داندلسن، ۱۳۹۸: ۲۳۸

۹۷ - بدخشان، ۱۳۹۹

۹۸ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۲؛
الیاسوا، ۱۳۹۵: ۹۹؛
تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰

۹۹ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۲۱۹؛
الیاسوا، ۲۱۹: ۲۰۰۵

۱۰۰ - الیاسوا، ۲۱۹: ۲۰۰۵

۱۰۱ - دوجی، ۱۳۹۹

۱۰۲ - الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۷۰

۱۰۳ - آقی پور، ۱۳۹۶: ۲۲۲

۱۰۴ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۱؛
تاتلیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۰؛
الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۷

۱۰۵ - تاتلیلی اوغلو، ۱۶۰: ۲۰۰۰

۱۰۶ - الیاسوا، ۸۷: ۲۰۰۵

۱۰۷ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۱۶۰؛
تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰؛
الیاسوا، ۹۶: ۲۰۰۵

۱۰۸ - الیاسوا، ۹۶: ۲۰۰۵

۱۰۹ - تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰

۱۱۰ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۹۸؛
الیاسوا، ۹۸: ۲۰۰۵

۱۱۱ - گدیف، ۲۹۰: ۲۰۰۳؛
یلدریم، ۱۴۲: ؟

۱۱۲ - تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰

۱۱۳ - فجوری، ۱۳۹۹

۱۱۴ - تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰؛
الیاسوا، ۹۸: ۲۰۰۵

۱۱۵ - فجوری، ۱۳۹۹

۱۱۶ - الیاسوا، ۹۹: ۲۰۰۵

۱۱۷ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۱۶۰؛
تاتلیلی اوغلو، ۱۶۰: ۲۰۰۰

۱۱۸ - الیاسوا، ۹۷: ۲۰۰۵

۱۱۹ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۹۷؛
الیاسوا، ۹۷: ۲۰۰۵

۱۲۰ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۹۹؛
الیاسوا، ۹۹: ۲۰۰۵

۱۲۱ - اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۱۶۰؛
تاتلیلی اوغلو، ۱۵۹: ۲۰۰۰؛
الیاسوا، ۹۷: ۲۰۰۵

- اگر شخصی روی موی ریخته شده بخوابد، در خواب هذیان می گوید.^{۱۶۶}

- اگر در خانه ی فرد بیگانه، مو شانه کنی، مو از خجالت می ریزد.^{۱۶۷}

- اگر به مو، منجوق چشم زخم، نخ رنگارنگ، طلا و نقره و یا زیورآلات ببندی، مو زودتر رُشد می کند.^{۱۶۸}

- نباید در هنگام غروب خورشید، بافت موها را باز کرد و بیرون رفت. مو در حالیکه می گوید: «انگار به خاطر عزا باز و پخش شده ام» فریاد می زند و می ریزد.^{۱۶۹}

- جمع کردن موی ریخته شده، توسط شخص دیگری، شگون ندارد.^{۱۷۰}

- نباید با شانه ای که ریش را شانه می کند، مو را شانه کرد. مو آن را برای خود شرمندگی می داند و می ریزد.^{۱۷۱}

- اگر در جای بیگانه ای، مو را شانه کردی، باید موی ریخته شده را برداری و با خود ببری.^{۱۷۲}

- اگر موقع بافت موها، قسمت انتهایی موها را بعد از گره مو بند، دراز بگذاری؛ عمر برادر یا خواهرت طولانی خواهد بود.^{۱۷۳}

- اگر در خانه ای، هم زمان به همراه افراد زیاد مو شانه شود، شگون ندارد. اگر انجام چنین کاری ضرورت داشته باشد، باید جمله ی «به عروسی می خواهم بروم» را به زبان آورد و آن گاه شانه کردن را شروع کرد.^{۱۷۴}

- موقع باز شدن رشته ی موها، نشان دادن خود به دیگران عیب محسوب می شود.^{۱۷۵}

- اگر فرد مذکر، عرقچین دختر را بپوشد، موی صاحب عرقچین می ریزد.^{۱۷۶}

- اگر دختر، عرقچین شخص مذکر را بپوشد، موی همان دختر می ریزد.^{۱۷۷}

- زنان و دختران فهیم [ترکمن] برای موهای ریخته شده یک بقچه ی مخصوص می دوخته اند.^{۱۷۸}



کوتاه کردن ناخن ناخن

- زیر خاک کردن موها در هر سال در ماه ذیحجه ثواب به حساب آمده است.^{۱۷۹}

ناخن: باورهای عامیانه ی ترکمنان در ارتباط با ناخن، بیشتر جنبه ی هشدار دارد.

- ترکمنان، هم چون سایر اقوام ایرانی، معتقدند که «گرفتن ناخن دست و پا در شب شگون ندارد»^{۱۸۰} و یا گناه است.^{۱۸۱}

- در یک روز نباید هم ناخن دست و هم ناخن پایت را بگیری^{۱۸۲} و اگر چنین کنی «عروسی و عزایت در یک روز اتفاق می افتد».^{۱۸۳}

- ناخن را نباید در حالت ایستاده بگیری؛ چراکه اگر ناخن پراکنده شود، در آن دنیا دنبال صاحب ناخن می گردد.^{۱۸۴}

- ناخن گرفتن در خانه ی دوست، خوب نیست. شخص را از ناخن گرفتن در خانه ی دوست برحذر داشته اند، چون ناخن گرفته شده، ممکن است داخل غذا بشود.^{۱۸۵}

– نباید ناخن گرفته‌شده را به زمین انداخت. باید آن را در جایی زیر خاک کرد.^{۱۸۶}
بی‌تردید، نیانداختن ناخن بر روی زمین و تأکید بر دفن کردن آن، از دیدگاه گذشتگان بی‌دلیل نبوده است. در باور عامه‌ی مردم ایران «ناخن گرفته‌شده باید به خاک سپرده شده یا دست‌کم پنهان شود تا دشمن یا جادوگری آن را نیابد و چشمان صاحبش را بخراشانند یا کارهای بدِ دیگری با آن‌ها انجام دهد».^{۱۸۷}

ناف:

– اگر نافِ نوزاد دراز باشد، بعد از آن، فرزند کمتری متولد می‌شود. اگر نافِ نوزاد کوتاه باشد، بعد از او، به طور متوالی فرزند به دنیا می‌آید.^{۱۸۸}
– بعد از بریدن ناف نوزاد، ناف او را به دُمِ سگ یا اسب بسته‌اند، با این آرزو که هم‌چون این حیوانات، مقاوم، باوفا و عاقل باشد. در برخی از مناطق، ناف نوزاد را به دُمِ گاو و شتر می‌بندند و آرزو می‌کنند که بسیار ثروتمند شود.
– ناف نوزادِ دختر در تهِ کیسه و صندوق گذاشته شده است. این باور با این نیت و آرزو انجام شده که او شخصی مُدبّر به بار آید. به باور آنان اگر چنین شود «دختر دوستدار خانه خواهد شد و از خانه بیرون نخواهد رفت».
– ناف نوزاد دختر را در صدرخانه دفن کرده‌اند، با این امید که «در صدرخانه سوزن‌دوزی کند و قالی ببافد».
– ناف نوزاد پسر را در درگاه خانه دفن کرده‌اند، با این باور که «برای این خانه نگهبان و بزرگ شود و اجازه ندهد که پای دشمن از درگاه خانه وارد شود».^{۱۸۹}
– در برخی از مناطق، ناف نوزاد پسر را در حیاط مدرسه و یا دانشگاه می‌گذارند؛ با این نیت که فردی باسواد و اهل علم شود و یا در حیاط مسجد می‌گذارند، با این آرزو که در آینده نمازخوان و باتقوا شود.^{۱۹۰}

منابع و مآخذ:

آق‌آتابای، فرهنگ (۱۳۷۷). قولپاق، آرایش و پیرایش مو در فرهنگ ترکمن، فصلنامه یاپراق، سال اول، شماره ۳ و ۲، صص ۸۰-۸۱.
آق‌پور، مجید (۱۳۹۶). دورت بوغون (چهاربند)، (جستارهایی در فرهنگ شفاهی قوم ترکمن با تکیه بر مطالعه‌ی میدانی در کوموش‌تپه، گرگان، نشر مخطومقلی فراغی، چاپ اول.
بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹). ترکمنهای ایران، تهران، پاسارگاد، چاپ اول.
حفیظ‌الله (۱۳۹۵). تورکمن‌لرداکی عقیده و اینانچ‌لار، ماهنامه وطنداران، دوره دوم، سال اول، شماره سوم.
داندلسن، بِس‌آلن (۱۳۹۸). اسفند وحشی: پژوهشی درباره‌ی سحر و جادو در فرهنگ عامه ایران، ترجمه ابوالقاسم سَری، تهران، فرهنگ جاوید، چاپ اول.
ذوالفقاری، حسن، شیر، علی‌اکبر (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران، تهران، چشمه، چاپ دوم.
راسخ یلدرم، محمدصالح، تاریخ و فرهنگ ترکمنها، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.

- ۱۲۱ – گلدیف، ۲۰۰۳: ۲۹۰
- ۱۲۳ – ناتیلی‌اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۰
- ۱۲۴ – اوزآیف، ۱۹۹۳: ۹۷، ۲۰۰۵: ۹۷
- ۱۲۵ – حفیظ‌الله، ۱۳۹۵: ۴۶
- ۱۲۶ – قاضی، ۱۳۷۶: ۱۸
- ۱۲۷ – قاضی، ۱۳۸۲: ۹۹، به نقل از عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۳
- ۱۲۸ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۰
- ۱۲۹ – اسفندیاری، ۱۳۹۸: ۳۹
- ۱۳۰ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۵۱
- ۱۳۱ – اسفندیاری، ۱۳۹۸: ۳۹
- ۱۳۲ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۵۱
- ۱۳۳ – آق‌آتابای، ۱۳۷۷: ۳۹
- ۱۳۴ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۵
- ۱۳۵ – آق‌آتابای، ۱۳۷۷: ۳۹
- ۱۳۶ – ر.ک. الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۷۵
- ۱۳۷ – مخطومی، ۱۳۹۷: ۱۳۷
- ۱۳۸ – اوزآیف، ۱۹۹۴: ۹۷
- ۱۳۹ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۶
- ۱۴۰ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۴
- ۱۴۱ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۷۶
- ۱۴۲ – کسرالیان، ۱۳۷۰: ۱۷۷
- ۱۴۳ – آق‌آتابای، ۱۳۷۷: ۳۸
- ۱۴۴ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۹
- ۱۴۵ – اوزآیف، ۱۹۹۳: ۹۷
- ۱۴۶ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۹
- ۱۴۷ – آق‌آتابای، ۱۳۷۷: ۳۹
- ۱۴۸ – آق‌آتابای، ۱۳۷۷: ۳۹
- ۱۴۹ – عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۵
- ۱۵۰ – داندلسن، ۱۳۹۸: ۲۳۵
- ۱۵۱ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۶۹
- ۱۵۲ – اوزآیف، ۱۹۹۳: ۹۷
- ۱۵۳ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۳۷
- ۱۵۴ – همان، ۳۷
- ۱۵۵ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۶۵
- ۱۵۶ – الیاسوا، ۲۰۰۵: ۳۷

عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه، رهبرنیا، زهرا (۱۳۹۴). آوای مو: انسان‌شناسی زیباشناسی مو در خودتزیینی زن ترکمن روستای دویدوخ، پژوهش انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۷-۴۷.

عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه (۱۳۹۹). خودتزیینی زنان ترکمن، درآمدی بر انسان‌شناسی زیباشناسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

کسرائیان، نصرالله، عرشی، زیبا (۱۳۷۰). ترکمنهای ایران، تهران، مؤلف.

ماسه، هانری (۱۳۵۷). معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه: مهدی روشن‌ضمیر، ج دوم، تبریز.

مرادی، منصور (۱۳۹۶). خوراک و باورهای عامیانه و فرهنگی ترکمن‌ها، فصلنامه میرداماد، سال دوم، شماره هفتم، صص ۸۱-۹۲.

Geldiyew, gurbandurdy (2003). türkmen halk döredijligi, aşgabat, türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Gurbanow, h.d, gurbangulyýewa, a (2010), türkmenistanyň etnologiyasy, aşgabat.

Otdyýew, gaýypberdi, atdayewa, nurgözel (2010), türkmen halk döredijligi, aşgabat, türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Öräýew, arazbay (1993). Yrymlar, aşgabat, ruh

Tatlıoğlu, durmuş (2000). türkmen "ırımları" (halk inançları), cumhuriyet üniversitesi ilahiyat fakültesi dergisi hakemli dergi iv: sayı, sıvas, 166 – 151

Ylyasowa, gurbanjemal (2005). Türkmen halk yrym – ynançlary, aşgabat, miras

اشخاص:

آقارکاکلی، اسماعیل (۱۳۹۹). دیپلم، به نقل از دایمی‌شان. ۶۸ ساله، بی‌سواد. اهل روستای حاجی‌قوشان از توابع گنبدقابوس.

اسفندیاری، اینچی (۱۳۹۸). ۷۴ ساله، بی‌سواد، از طایفه نُخوری، ساکن شهرستان بجنورد.

امانی‌نژاد، بی‌بی‌سارا (۱۳۹۹). ۶۳ ساله، ششم ابتدایی، ساکن گنبدقابوس.

بدخشان، قربان‌صحت (۱۳۹۹). معلم بازنشسته و پژوهشگر فرهنگ‌و ادبیات شفاهی ترکمن، ۷۰ ساله، ساکن گنبدقابوس.

دوچی، عاشیرمحمد (۱۳۹۹). لیسانس الهیات، ۵۶ ساله، ساکن گنبدقابوس.

شهیدی، انسیه (۱۴۰۰). دیپلم تجربی، قرآن‌پژوه، ۶۷ ساله، ساکن گرگان.

فجوری، ستاربردی (۱۳۹۹). فرهنگی و دانشجوی دکتری تاریخ و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ترکمن، ۴۹ ساله، کلاله.

مختومی، عرفان (۱۳۹۷). دانش‌آموز سال یازدهم ریاضی، به نقل از اقوام بزرگسال، ساکن گنبدقابوس.

مختومی، نعمان (۱۳۹۸). دانش‌آموز سال یازدهم ریاضی، به نقل از افراد بزرگسال خانواده، از روستای سارلی

مختوم، از توابع گنبدقابوس.

ملتی، شهین (۱۳۹۹). لیسانس و دبیر بازنشسته، ۵۰ ساله، ساکن گنبدقابوس.

ناظری‌قوجق، محمدمعین (۱۳۹۸). دانش‌آموز دبیرستان، به نقل از عبدالحکیم ناظری‌قوجق، فوق‌لیسانس ادبیات

و روحانی، ساکن گنبدقابوس.